



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۲۷ ■ آذر ۱۴۰۱

نوجوان
کلاف



حسین
شکیب راد
سر دبیر
نوجوان

دورهمی های نوجوانانه کجا و چگون

تجمع بیجا موجب خود

حتما شما هم تجربه پوکیده شدن حوصله تان را دارید. این تقریبا فصل مشترک همه نوجوان هاست. البته خیلی ها برایش راهکارهایی را پیدا کرده اند. به طور کلی راهکار حل این مسأله وخیم و غیرقابل تحمل، در دومدل تکی و دسته جمعی خلاصه می شود. یعنی گاهی فرد تصمیم می گیرد وقتش را با دیدن فیلم یا انجام



۴

ریشه
نماز
در پا
وضع
برای
گفتن
چیز
ولی
دارد
خود
بسیار
هم
حض
کنار
ممکن
بسیار

۳

اساسا دین جزو ریشه دارترین مفاهیم در زیست هر جامعه ای به شمار می رود چون در رابطه مستقیم با فطرت انسان است. جامعه ما در این زمینه تجربه عمیق تری هم نسبت به بسیاری از جوامع دیگر دارد. برای همین است که جاهایی مثل مسجد و هیات، برای خیلی از نوجوان ها به یک پاتوق تبدیل شده است. البته این که مساجد ما اصولا فقط چند دقیقه قبل از نمازها باز می شوند و چند دقیقه بعد از آن هم می بندند باعث شده است کمتر این اتفاق بیفتد. حالا وجود برخی امام جماعت های کم حوصله و متولی مسجدهای خسته و بی اعصاب را هم به این ضمیمه کنید. نتیجه اش می شود این که برخلاف اوایل انقلاب، که مسجد نه تنها محل تجمع، بلکه جایی برای حل مشکلات مردم و پایگاه اصلی تحولات محله بود، حالا تنها جایی برای خواندن نماز باشد. حالا چه افرادی با چه گروه سنی بیشتر به مسجد می روند جای فکر دارد. اما انصافا وضع هیات های ما بهتر است. به خصوص با گل کردن تعدادی از مداحان جوان که با سبک های جذاب و اشعار زیبا توانسته اند تعداد زیادی از نوجوانان را به سمت هیات بکشانند.



۱

اصولا وقتی به ریشه بسیاری از کلمات مراجعه می کنیم، تازه به عمق معنای آنها پی می بریم. «پاتوق» هم از جمله همین کلمات است که دانستن نحوه شکل گیری آن، به فهم درستش کمک زیادی می کند. این کلمه در اصل «پای تاق» بوده است که پای به معنی مکان و تاق در زبان ترکی به معنی درفش و علم بوده است. البته گروهی هم آن را از ریشه باداخ یا باداق می دانند به معنای محل تجمع.

اما خیلی قدیم ترها این عبارت به جایی گفته می شده که کسانی معمولا ساعت های بیکاری خود را در آن می گذراندند. در دوره قاجار قهوه خانه، زورخانه، مسجد، تکیه، زیارتگاه و حتی پاره ای از انجمن های غیررسمی، جزو پاتوق های مردمی آن زمان بودند اما در زمان پهلوی رابطه کلمه پاتوق با تاق به کلی از میان رفت و کلمه پاتوق به عنوان واژه ای به کار گرفته شد که محل اجتماع افرادی خاص از قشری خاص بود، مثل انجمن های ادبی و فکری و سیاسی، تشکل های مذهبی، انجمن های خیریه، مراکز کمک آموزشی و مراکز دینی و فرهنگی و معنای این کلمه در طول تاریخ تحولات زیادی پیدا کرده و امروز برای بیان جایی که افراد مرتبط، مثلا همکار یا دوست یا همفکر قرار و مدارهای شان را در آن می گذارند گفته می شود.



۲

لازم نیست دوباره بگوییم ولی می گوئیم که اساسا انسان یک موجود اجتماعی است و اساس تشکیل پاتوق، همین اجتماعی بودن وجود انسان است. تقریبا با این مقدمه می شود گفت پاتوق فی نفسه یک امر مهم و ضروری است. و این که بار منفی یا مثبت پیدا کند، کاملا برمی گردد به دلیلی که افراد برای آن در یک مکان مشخص گرد هم می آیند و این که فکر کنیم پاتوق صرفا جای آدم های بیکار است، قضاوت درستی نیست.

در واقع با توجه به معنا، پاتوق برای رفع نیازهای مادی و معنوی انسان ایجاد می شود اما این که خیلی اوقات پاتوق ها از این اصل فاصله گرفته اند ممکن است دلیلش کم شدن فضاهای تفریحی و از طرفی کم شدن نقاط مشترک عمیق بین انسان ها باشد.

به هر حال امروزه، آدم ها و به ویژه نوجوان ها و جوان ها برای گرد هم آمدن و حرف زدن از دردها و مشکلات و ابراز نظر و البته تفریح و گاهی دور شدن از مسائل سخت روزمره، به فضاهایی رو می آورند که می شود به آنها همین عنوان پاتوق را داد و همان طور که قبلا گفتیم، ریشه و دلیل انتخاب هر کدام از این اماکن هم با سایر گزینه ها تفاوت های اساسی دارد.

